نشست تخصصی- علمی «تحولات امنیتی خاورمیانه بعد از طوفان الاقصی»

در دوره‌ عبد صادق خطوط قرمز جدید را ترسیم کرد

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

دو دهه پیش کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا در میانه جنگ رژیم صهیونیستی با لبنان، به سرزمین‌های اشغالی سفر کرد تا از «در راه‌بودن خاورمیانه جدید» سخن بگوید. قرار بود از آن جنگ، اسرائیل با پیروزی، چهره غرب آسیا را تغییر دهد. اما سرنوشت جنگ به‌گونه دیگری رقم خورد و از آن تاریخ تا به امروز نه‌تنها رژیم صهیونیستی در هیچ نبرد نابرابری پیروز میدان نشد که حتی بازدارندگی آن نیز در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و ضربات پس از آن زیر سوال رفت. تصویر مصونیت رژیم در برابر حملات هایش به‌تدریج تبدیل به تصویر بازی با آتش شد و بازی‌های خطرناکی بزنند و پای ایران را نیز به میدان بازکنند. هدف قرار دادن ساختمان کنسولگری ایران در دمشق، با پاسخ خیره‌کننده‌ای از سوی ایران مواجه شد. ایران این پاسخ را نه حمله بلکه «عملیات تنبیهی» معرفی کرده است. این عملیات تنبیهی، به اعتقاد کارشناسان و تحلیلگران بین‌المللی، تبعات سخنی برای رژیم صهیونیستی داشت که یکی از آنها برهم خوردن موازنه قوا در منطقه غرب آسیا بود. اهمیت تحولات در غرب آسیا به‌ویژه پس از عملیات ۷ اکتبر باعث شد تا دانشگاه علامه‌طباطبایی در نشستی با عنوان «تحولات امنیتی خاورمیانه بعد از طوفان الاقصی» به ابعاد این ماجرا بپردازد. متن پیش رو، ارائه سیداصغر کیوان حسینی و سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، اعضای هیات علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی است.

سیداصغرکیوان‌حسینی، عضو هیات‌علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

نکاتی را در ارتباط با مسائل خاورمیانه که من به آن خاورمیانه پسا آبروبل می‌گویم، مطرح می‌کنم. وقتی در مورد امنیت در مطالعات امنیتی متمرکز در منطقه صحبت می‌کنیم قاعدتا باید به چند مولفه مهم‌تر توجه کنیم؛ اول بحث امنیت ملی است. وقتی از امنیت ملی صحبت می‌کنیم، حداقل دو نکته خیلی مهم است؛ یکی اینکه امنیت هر بازیگری در چهارچوب رابطه‌ای شکل خاص‌تر گرفت؛ یعنی امنیت هر دولت در ارتباط با محیط پیرامونی‌اش معنا پیدا می‌کند و از وجهه دیگر امنیت ملی به تریبال‌ها و پارامترهای داخلی که می‌توانند بر امنیت ملی یک کشور تاثیر بگذارد، اشاره دارد. نکته دوم بحث منطقه‌ای است. در سطح منطقه‌ای از افزای ملل «بری گوردن بیوزان» (استاد بازنشسته روابط بین‌الملل در دانشگاه اقتصاد لندن) معتقدند ریشه‌های الگوهای منازعه در درون خود منطقه شکل می‌گیرد. به‌طوری که اصطلاح الگوهای منازعه در منطقه وجه بومی‌رایی دارند و فرهنگ‌ها و رویه‌های جدیدی هم شکل گرفته یا در گاه‌های اولیه شکل‌گیری است. نقطه تمرکز بحث من هم روی همین هاست. مثلا ما در خاورمیانه یکسری چالش‌های مبنی برتنش وثبات داریم که معرف‌ترین و تاثیرگذارترین آن همین مسائله تنش‌های اعراب و اسرائیل است. اینها مولفه‌هایی هستند که از دهه‌های گذشته شکل گرفته و هنوز هم اداره شدند. بحث دولت‌های ناپایدار در منطقه، مساله اسلام‌گرایی یا اسلام‌گرایان تندرو، یک نوع تمایلی به اتتلاف‌سازی وجود داشت، مبارزه با جنگ‌های نیابتی که وجود داشت، چالش‌هایی مثلا در حوزه امنیت انرژی، مساله نفت و مناقع‌گازی یا آنچه در ارتباط با بحث‌های بحران آب بوده است، اینها موارد مهمی هستند که در دهه گذشته و برخی‌ها از دهه‌های گذشته به‌وجود آمده و عمدتا باعث شدند که الگوهای منازعه‌ای و رقابت در این منطقه به‌سمتی حرکت کند که ما خاورمیانه را یکی از مهم‌ترین نمادهای جریان‌های واقع‌گرایانه یا رئالیستی بدانیم. این تحلیل هم به جهت وجود مولفه‌هایی همچون تنش جنگ، رقابت، رقابت تسلیحاتی و امثالهم در این منطقه ارائه می‌شود. خاورمیانه هم در گام اول عمدتا خودش را در این تصویر نشان می‌دهد. حالا در این شرایط ما در چند ماه گذشته شاهد رخداد و اتفاق‌های خیلی مهم بیشتری بودیم که از ۷ اکتبر اتفاق افتاد و در دیگری اتفاقی که در ۱۲ آوریل رخ داد. این دو حرکت یعنی حمله نیروهای حماس به اسرائیل و بعد هم عملیاتی که ایران علیه اسرائیل داشت، دو حادثه‌ای بودند که شعاع خیلی بلندی داشتند و به‌طور طبیعی می‌توانند هر نوع الگوی تحلیلی را نسبت به روندهای جاری یا آینده در خاورمیانه تحت تاثیر قرار دهند. در دو حادثه هم از منظر تاکتیکی می‌توانند موردتوجه قرارگیرند و هم از منظر استراتژیک حائز اهمیت باشند. از بعد تاکتیکی می‌توانیم آثار و پیامدهای مبتنی را برای این دو حادثه ببینیم. فکر نمی‌کنم نیازی به این باشد که به این مساله بپردازیم. این روزها در همه جا از این آثار بحث می‌شود. اما به نظرم می‌رسد که از بعد محاسبات استراتژیک، این دو حادثه دو داشته بزرگ استراتژیک بود که اتفاق افتاد و شاهد مثال ما هم یکی در ارتباط با بحث غزه، بحران ۷ اکتبر همین وضعیتی است که امروز منطقه شاهد است. ما امروز یک منطقه‌ای را بعد از حمله حماس می‌بینیم که پر شده از فجایع، در حوزه حقوق بشر، ۱.۵ درصد از جمعیت غزه در این فاصله کشته شدند و ۳.۵ درصد هم دگربند. یعنی حدود ۵ درصد از این منطقه و برای ایران باید مورد تامل و توجه باشد. اگر بعد از این حمله با نوعی صبر استراتژیک یا ایران برخورد شد، می‌توانیم این تصور را داشته باشیم که این اتفاق، اتفاق پایداری نیست و در شرایط خاص ـ که فکر می‌کنم مهم‌ترین آن پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا است ـ می‌شود قوانین قطعی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضا الکترونیکی (توکن) را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- پرداخت هزینه انتشار آگهی و وجوه قانونی سامانه ستاد به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

- پیشنهاد قیمت‌ها در صورتی قابل بررسی می‌باشند که اسناد فیزیکی قبلا در سامانه ستاد بارگذاری و مورد تایید باشند.

- شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می‌باشد.

- مبلغ ضمانت‌نامه شرکت در پیشنهاد پنج درصد مبلغ اولیه می‌باشد که می‌بایست به یکی از دو طریق ذیل ارائه شود:

الف- فیش واریزی به مبلغ فوق به‌حساب ۰۲۰۳۹۴۹۳۹۸۰۰۱ شهرداری اهواز نزد بانک ملی به نام شهرداری اهواز

ب- به‌صورت ضمانت‌نامه معتبر بانکی به نام شهرداری اهواز و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها

- برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنها به ترتیب ضبط خواهد شد.

- تاریخ برگزاری کمیسیون مناقصه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۴ ساعت ۱۲ در محل ساختمان شماره ۳ شهرداری (اداره قراردادها) می‌باشد.

- نتیجه کمیسیون مطابق آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران کلانشهرها اعلام خواهد شد.

- به استناد بند ۵ ماده ۱۱ آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران کلانشهرها میزان تضمین حسن انجام تعهدات قرارداد معادل ۵٪ مبلغ قرارداد می‌باشد.

- شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد قیمت به‌منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران (کلانشهرها) و پذیرفتن موضوع ماده ۱۲ آیین‌نامه مذکور می‌باشد.

- به برنده مناقصه پیش‌پرداخت داده نخواهد شد.

- کلیه هزینه‌های محروم از اجرای کار حق شرکت در این مناقصه را ندارد.

- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است.

شناسه آگهی: ۱۷۲۵۸۷۸

اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری اهواز

شهرداری اهواز در نظر دارد پروژه‌های مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌های دارای رتبه ۵ ابنیه به مدت هشت ماه واگذار نماید.

عنوان مناقصه	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ تضمین ۵٪ شرکت در مناقصه
احداث تمازحانه در ورودی شهر از سمت پلیس راه ادیمه‌نک واقع در پارک ایثارگر حوزه خدماتی منطقه دو شهرداری	۸۹/۵۴۶/۳۹۴/۶۶۷	۴/۴۷۷/۳۲۰/۰۰۰

از پیمانکاران واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ لغایت ۱۴۰۳/۰۴/۲۱ ساعت ۱۹ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند. www.setadiran.ir

- از شرایط یکسان اولویت با پیمانکاران بومی خواهد بود.

- آخرین مهلت قبول پیشنهادهای مناقصه‌گران از آخرین روز دریافت اسناد به مدت ۱۰ روز کاری در سامانه ستاد است حداکثر مهلت بارگذاری اسناد در سامانه ستاد تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۲ ساعت ۱۹ می‌باشد ضمنا آخرین مهلت تحویل پاکات فیزیکی تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۳ به اداره قراردادها ساختمان شماره ۳ شهرداری می‌باشد.

آگهی مناقصه عمومی

نوبت اول

شهرداری اهواز

صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN

سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a6633480018@gmail.com

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

ما با خاورمیانه جدید مواجه هستیم

پس ما خاورمیانه‌ای داریم که جریان‌های واقع‌گرایانه یا آنچه در قالب رئالیستی می‌شناسیم در آن به شدت فعال بوده است. این جریان‌ها ریشه دار است و به دهه‌های گذشته برمی‌گردد. برای بخش زیادی از اینها هم می‌توانیم از منطق بروزان استفاده کنیم و بگوییم به هیچ وجه همسنگ و ریشه در درون دارند. به‌نظر من ما در طرح زیادی برای گفتن نداریم. بیشتر می‌توان گفت در مرحله توضیح واضحات هستیم. این تنها مختص منطقه قابل توجه بحث ما این است که هر کسی بخواهد در مورد خاورمیانه آینده‌نگری کند یا به‌عنوان یک باید باشد، نگاهش باید با خاورمیانه جدید همراه باشد. به‌نظر من ما در یک دوره‌ای هستیم که در آن تلاش می‌شود تا پایین آمدن هزینه‌های جنگ در کشورهای مدرن دست به آن تلاش می‌کنند. این ابهام، این سیاست مبتنی بر ابهام‌زدایی در تصویر خیلی برای کنش‌گران زیادی هم برای ما داشته است. طرف مقابل معمولا نمی‌تواند رفتار ما را پیش‌بینی کند. ما همیشه در یک شرایط غیرمترقبه هستیم. به تعبیر خودمان همیشه در شرایط خاص هستیم. به همان نسبت در حوزه تکنولوژیک تامین و تدبیر کنیم. نظم امنیتی خیلی دارد با قدرت سیاسی مختلفی دارد. یکی از مهم‌ترین آن شیوه و الگوی خاص مدیریت منازعه و مناقشه در سطح منطقه است. اینکه هر منطقه‌ای و هر سیستمی مناقشه و منازعه راتجربه می‌کند، اینکه چگونه مدیریت می‌شود. الگوی غالب یا شیوه غالب مدیریت مناقشه و منازعه در منطقه می‌شد. تعاریف دیگری هم هست مانند رفتارهای الگومند امنیتی در سطح منطقه. گاهی نظم امنیتی را به معنای مقررات حاکم بر روابط و مناسبات امنیتی تعریف می‌کنند و گاهی هم همکاری‌های امنیتی در نظام امنیتی لحاظ می‌شود. گاهی از مواقع نظم و نظام هم مطرح می‌شود، یعنی وقتی می‌گوییم نظم منطقه‌ای، منظور نظام منطقه‌ای است. نظام امنیتی و منطقه‌ای انواعی دارد که ما می‌توانیم بدون سطح‌بندی ردیف کنیم اما من در سه سطح اینکه‌بتابه، دوجانبه و چندجانبه» تقسیم‌بندی کردم. نظم امنیتی منطقه‌ای به معنای شیوه و الگوی غالب مدیریت مناقشه و منازعه در سه سطح یا سه دسته بررسی می‌شود. یک زاویه اینکه بگوییم منطقه‌ای که در آن ناهمزنی و موازنه‌سازی می‌کنند. خود این یک فضای امنیتی دربست می‌دهد و معمولا بسیاری از جنگ‌های ناخواسته ناشی از معمای امنیتی دربست می‌دهد. البته باز تاکید می‌کنم این شاید ابهام‌زدایی است که در ذاتمان است. برخی در ایران می‌گویند برای اینکه دعوا نشود، ما قدرتمند نشویم. این که راه‌حل نیست. اینکه شما چطوری می‌توانید قدرتمند بشوید و جنگ هم نشود، مهم است. کار سیاست خارجی و دیپلماسی این است. به نظرم ایران در خاورمیانه بسیار پیچیده و چندسطحی و به اتفاقاتی که رخ داده امنیت منطقه بسیار پیچیده شده است. می‌دانید که اصالتا خاورمیانه یک محیط پویای محکم‌سازی است. هم دائما در حال تحول است، هم تحولات هم بر دیگران تاثیر می‌گذارد و یک محیط پویای متشنج یا مسائل متعدد امنیتی است. درهم‌تنیدگی این مسائل خیلی مهم است و نشان می‌دهد محیط امنیتی خاورمیانه پیچیده‌تر شده است. بنابراین روز من الگوی ترکیبی از نظم‌های امنیتی است، یعنی موازنه، بازدارندگی، یورونگرا، چندجانبه و دوجانبه که بیشتر در مقابل ماست و به آن اشاره خواهم کرد. الگوی غالب ما کماکان هنوز هم یکجانبه است. خیلی وی قدرت‌های دیگر نمی‌توانیم حساب کنیم. شاید به صورت محاوره می‌گوییم که متحد استراتژیک هستیم. متحد استراتژیک نیستیم. متحد استراتژیک اسرائیل و آمریکا هستند و اگر یکی حاضر باشد برای شما بجنگد یعنی متحد استراتژیک شماست. ایران که هیچ یک از متحدان را در این حد نمی‌داند. توقعی هم نیست. ما گاهی مواقع انتظارات بیش از حد داریم. ما توقع داریم کاری که خودمان برای خودمان انجام نمی‌دهیم را برایمان انجام دهند. این الگوی ترکیبی، یکجانبه و به معنای تقویت قدرت درونی است. اینکه ایران، عربستان و اسرائیل را به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در نظر بگیریم یکی از راهبردهایشان به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای تقویت ساخت درونی قدرت خودشان است. به خصوص ما. حالا عربستان و اسرائیل نمی‌توانند فقط بر این مساله اتکا کنند. ما چاره‌ای نداریم که تنها به همین مساله اتکا کنیم. اول موازنه، دوم یورونگرا بود، دوم سیاست بازدارندگی.

بین ایران و اسرائیل اتفاق بسیار مهمی که افتاد، برقراری موازنه جدید و ترسیم خطوط قرمز جدید بود. منطقه خاکستری بین منطقه سبز و قرمز است. منطقه سبز یعنی صلح و منطقه قرمز یعنی جنگ گرم، الان در جنگ‌های ترکیبی یا یکی از الگوهای ترکیبی این است که بیشتر کشورها در منطقه خاکستری یا یکی از حوزه‌های خاکستری با هم تقابل می‌کنند. حتی عملیات نظامی هم می‌کنند اما به حدی شدت ندارد که آستانه تحمل آن را تهدید کند. کاری که اسرائیلی‌ها کردند این بود که آستانه امنیتی و دفاعی ایران را تهدید کردند. ایران دیگر این را در دفعات مختلف خاکستری تلقی نکرد. گفت این دیگر وارد منطقه قرمز شده است. به نظرم یک خط بالاتر رفتیم و در آینده احتمالا اتفاقاتی می‌افتد چون شما منطقه خاکستری را توسعه دادی. آستانه تحمل‌تان بالاتر رفته است. البته این یکی از ویژگی‌های پیشگیری از جنگ است. من پیش‌بینی‌ام این است که آستانه تحمل هم ایران و هم اسرائیل و آمریکا بالاتر رفته و این احتمال جنگ را کاهش می‌دهد. هم بسیج می‌شوند که شما را مهار کنند. شما باید بدانید که از این به بعد چکار کنید که این دستاوردها را حفظ کنید؟ چه به لحاظ سیاست خارجی و چه دیپلماسی عمومی. در نظم امنیتی منطقه‌ای چندجانبه، یکی موازنه قوا است. البته موازنه یورنگرا، این الان برای ما مصداق ندارد. به این معنا که کشورهای منطقه به‌تنهایی نمی‌توانند در مقابل ایران موازنه‌سازی کنند و به سمت اتلاف‌سازی می‌روند. عربستان آمریکا و اسرائیل هم به سمت ائتلاف‌سازی می‌روند. بحث ما دوست نداشته باشیم اما روابط بین‌الملل یک منطقی دارد. مثل تیوری جاذبه نیوتن می‌ماند. ما دوست نداریم یا نخواهیم از زیشت بام می‌پریم به زمین بخوریم، اما می‌خوریم. هرکاینکه بتوانیم بر آن غلبه کنیم برای این بایدیک وسیله‌ای بسازیم که هم زمین نخوریم و هم برآن غلبه کنیم. بنابراین منطق موازنه قوا حکم می‌کند که اینها در مقابل ایران موازنه‌سازی کنند. کنسرت منطقه‌ای، یعنی قدرت‌های منطقه‌ای برای تامین امنیت منطقه‌ای و حل وفصل مناقشات یا یکدیگر همکاری می‌کنند. رژیم امنیتی منطقه‌ای است، چه به صورت نانوشته و چه به صورت رسمی، امنیت دسته جمعی اجرایت اول ما بعد از انقلاب بوده است. یک نوع از اینها الزامات و شرایطی دارد. ما تبایدیک جایی سرمایه‌گذاری کنیم که آخرش دستاوردی نداشته باشیم. ما باید پوستسازی ترسیم کنیم و ارجحیت‌هایمان را رسم کنیم و اگر نشد، به سراغ باقی ارجحیت‌ها برویم. در سیاست ما یا این یا هیچ نداریم. سال حمله آمریکا به افغانستان من این بودم که گفتم ایران باید ارجحیت‌هایش را از حداقلی تا حداکثری ترسیم کند. مثلا ما ترجیح می‌دادیم یا تجک‌ها با شیعه افغانستان آنجا حکومت تشکیل دهند؛ اگر نمی‌شود باید مصالحه کرد. من گفتم حداقل این است که یک رژیم ضدایرانی در آنجا به قدرت نرسد. یا در عراق هم همین‌طور. منظورم این است که در منطقه هم ممکن است مرجع ما امنیت دسته‌جمعی باشد. اما اگر نشد باید بدانیم که کدام الگو شدنی است و آن را پیگیری کنیم. به این دوجانبه می‌رسیم. اگر مطلوب نیست حداقل قابل قبول است. جامعه امنیتی تکثرگرا هم که بعید می‌دانم در خاورمیانه بتوان آن را اجرا کرد. عدم توسل به زور ممکن نیست. ما در خاورمیانه هستیم و هم چیز نظامی است. باید بتوانیم با این وضعیت کنار بیاییم. ما باید الزامات محلی که در آن زندگی می‌کنیم را رعایت کنیم. برخی هم گفتند که دوره موشک و تفنگ گذشته است، بله اینها در جاهایی گذشته، دعوای لیبرال‌ها و رئالیست‌ها هم در دهه ۷۰ این بود. گورمن و نای و والت می‌گفتند شما بیش از حد به‌بین هستید و منطق رئالیسم سیاسی را اگر خاص خاورمیانه هم هست شما به اروپا نبری می‌دهید، حتی لیبرال‌ها هم نمی‌گویند در خاورمیانه مباحث سیاست بین‌الملل همکاری جویانه است. آن هم قبول دارد که رئالیستی‌تر است. حالا اینکه ما بتوانیم این را به سمتی ببریم که ماهیت رئالیستی را کاهش بدهیم بحث دیگری است که من چشم‌انداز آن را می‌بینم. من بدبین هستم، همیشه هم پیش‌بینی‌هایم درست از آب در می‌آید.

قبل از حمله آمریکا در ۲۰۰۳ به عراق، روزنامه ایران به من زنگ زد، گفت که شنیدیم که آمریکا می‌خواهد به عراق حمله کند، نظرت چیست، گفتم به نظر من تصمیم حمله به عراق گرفته شده و الان دارد عملیاتی می‌شود. زمان می‌برد داخل و منطقه و متحدان را اقناع کند؛ مطمئن باشید که حمله می‌کند. این پیش‌بینی من درست درآمده؛ بود و هنوز هم می‌توان آرشیو روزنامه را دید. یکی دیگر از دوستان مصاحبه کرد و گفت کشک است و حمله‌ای در کار نخواهد بود. خلاصه هر چه که می‌گذشت اتفاقات دیگری می‌افتاد. پیرباسکو روسی به بغداد رفت و اگر اشتباه نکنم به من زنگ زدند و گفتند دیگر جنگ تمام شد. بعد گفتند ۴۰ میلیارد دلار با عراق قرارداد بستند و این بعضی از جنگ می‌شود. گفتم اتفاقا همین هم یعنی جنگ نزدیک است. به نظرم یک چیزهایی بخشی‌اش تئوری است، یکی از ویژگی‌های تئوری این است که چیزهایی که به هم ربط ندارند را شما می‌توانید به هم ربط دهید. من تجربه کردم، ما استادی داشتیم که مسلط بر خاورمیانه و تاریخ بود. اصلا هیچ سمپتاری نمی‌آید چون فاقد بعد تئوریک بود. اگر تئوری را ندارید نهایتا نوتیک بینی‌تان را می‌بینید. من خیلی از پیش‌بینی‌هایم درست از آب درآمده‌اند و حالا این کاهش معنای رئالیستی در منطقه خاورمیانه را پیش‌بینی نمی‌کنم. روابط بین‌الملل منطقی ندارد.

تاثیرات مثبت و منفی تحولات اخیر خاورمیانه

حالا می‌رسم به بحث اینکه این عملیات و تحولات چه تاثیری خواهد داشت؟ اولا مجموع این دو عملیات معمای امنیت در خاورمیانه را تشدید می‌کنند. این منطق قدرت است، شما وقتی سطح قدرتت را ارتقا می‌دهی، به صورت ناخودآگاه آنها دیگران احساس ناامنی و موازنه‌سازی می‌کنند. خود این یک فضای امنیتی دربست می‌دهد و معمولا بسیاری از جنگ‌های ناخواسته ناشی از معمای امنیتی دربست می‌دهد. البته باز تاکید می‌کنم این شاید ابهام‌زدایی است که در ذاتمان است. برخی در ایران می‌گویند برای اینکه دعوا نشود، ما قدرتمند نشویم. این که راه‌حل نیست. اینکه شما چطوری می‌توانید قدرتمند بشوید و جنگ هم نشود، مهم است. کار سیاست خارجی و دیپلماسی این است. به نظرم ایران در خاورمیانه بسیار پیچیده و چندسطحی و به اتفاقاتی که رخ داده امنیت منطقه بسیار پیچیده شده است. می‌دانید که اصالتا خاورمیانه یک محیط پویای محکم‌سازی است. هم دائما در حال تحول است، هم تحولات هم بر دیگران تاثیر می‌گذارد و یک محیط پویای متشنج یا مسائل متعدد امنیتی است. درهم‌تنیدگی این مسائل خیلی مهم است و نشان می‌دهد محیط امنیتی خاورمیانه پیچیده‌تر شده است. بنابراین روز من الگوی ترکیبی از نظم‌های امنیتی است، یعنی موازنه، بازدارندگی، یورونگرا، چندجانبه و دوجانبه که بیشتر در مقابل ماست و به آن اشاره خواهم کرد. الگوی غالب ما کماکان هنوز هم یکجانبه است. خیلی وی قدرت‌های دیگر نمی‌توانیم حساب کنیم. شاید به صورت محاوره می‌گوییم که متحد استراتژیک هستیم. متحد استراتژیک نیستیم. متحد استراتژیک اسرائیل و آمریکا هستند و اگر یکی حاضر باشد برای شما بجنگد یعنی متحد استراتژیک شماست. ایران که هیچ یک از متحدان را در این حد نمی‌داند. توقعی هم نیست. ما گاهی مواقع انتظارات بیش از حد داریم. ما توقع داریم کاری که خودمان برای خودمان انجام نمی‌دهیم را برایمان انجام دهند. این الگوی ترکیبی، یکجانبه و به معنای تقویت قدرت درونی است. اینکه ایران، عربستان و اسرائیل را به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در نظر بگیریم یکی از راهبردهایشان به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای تقویت ساخت درونی قدرت خودشان است. به خصوص ما. حالا عربستان و اسرائیل نمی‌توانند فقط بر این مساله اتکا کنند. ما چاره‌ای نداریم که تنها به همین مساله اتکا کنیم. اول موازنه، دوم یورونگرا بود، دوم سیاست بازدارندگی.

بین ایران و اسرائیل اتفاق بسیار مهمی که افتاد، برقراری موازنه جدید و ترسیم خطوط قرمز جدید بود. منطقه خاکستری بین منطقه سبز و قرمز است. منطقه سبز یعنی صلح و منطقه قرمز یعنی جنگ گرم، الان در جنگ‌های ترکیبی یا یکی از الگوهای ترکیبی این است که بیشتر کشورها در منطقه خاکستری یا یکی از حوزه‌های خاکستری با هم تقابل می‌کنند. حتی عملیات نظامی هم می‌کنند اما به حدی شدت ندارد که آستانه تحمل آن را تهدید کند. کاری که اسرائیلی‌ها کردند این بود که آستانه امنیتی و دفاعی ایران را تهدید کردند. ایران دیگر این را در دفعات مختلف خاکستری تلقی نکرد. گفت این دیگر وارد منطقه قرمز شده است. به نظرم یک خط بالاتر رفتیم و در آینده احتمالا اتفاقاتی می‌افتد چون شما منطقه خاکستری را توسعه دادی. آستانه تحمل‌تان بالاتر رفته است. البته این یکی از ویژگی‌های پیشگیری از جنگ است. من پیش‌بینی‌ام این است که آستانه تحمل هم ایران و هم اسرائیل و آمریکا بالاتر رفته و این احتمال جنگ را کاهش می‌دهد. هم بسیج می‌شوند که شما را مهار کنند. شما باید بدانید که از این به بعد چکار کنید که این دستاوردها را حفظ کنید؟ چه به لحاظ سیاست خارجی و چه دیپلماسی عمومی. در نظم امنیتی منطقه‌ای چندجانبه، یکی موازنه قوا است. البته موازنه یورنگرا، این الان برای ما مصداق ندارد. به این معنا که کشورهای منطقه به‌تنهایی نمی‌توانند در مقابل ایران موازنه‌سازی کنند و به سمت ائتلاف‌سازی می‌روند. عربستان آمریکا و اسرائیل هم به سمت ائتلاف‌سازی می‌روند. بحث ما دوست نداشته باشیم اما روابط بین‌الملل یک منطقی دارد. مثل تیوری جاذبه نیوتن می‌ماند. ما دوست نداریم یا نخواهیم از زیشت بام می‌پریم به زمین بخوریم، اما می‌خوریم. هرکاینکه بتوانیم بر آن غلبه کنیم برای این بایدیک وسیله‌ای بسازیم که هم زمین نخوریم و هم برآن غلبه کنیم. بنابراین منطق موازنه قوا حکم می‌کند که اینها در مقابل ایران موازنه‌سازی کنند و ایران موازنه‌سازی کنند. کنسرت منطقه‌ای، یعنی قدرت‌های منطقه‌ای برای تامین امنیت منطقه‌ای و حل وفصل مناقشات یا یکدیگر همکاری می‌کنند. رژیم امنیتی منطقه‌ای است، چه به‌صورت نانوشته و چه به‌صورت رسمی، امنیت دسته‌جمعی اجرایت اول ما بعد از انقلاب بوده است. یک نوع از اینها الزامات و شرایطی دارد. ما تبایدیک جایی سرمایه‌گذاری کنیم که آخرش دستاوردی نداشته باشیم. ما باید پوستسازی ترسیم کنیم و اگر نشد، به سراغ باقی ارجحیت‌ها برویم. در سیاست ما یا این یا هیچ نداریم. سال حمله آمریکا به افغانستان من این بودم که گفتم ایران باید ارجحیت‌هایش را از حداقلی تا حداکثری ترسیم کند. مثلا ما ترجیح می‌دادیم یا تجک‌ها با شیعه افغانستان آنجا حکومت تشکیل دهند؛ اگر نمی‌شود باید مصالحه کرد. من گفتم حداقل این است که یک رژیم ضدایرانی در آنجا به قدرت نرسد. یا در عراق هم همین‌طور. منظورم این است که در منطقه هم ممکن است مرجع ما امنیت دسته‌جمعی باشد. اما اگر نشد باید بدانیم که کدام الگو شدنی است و آن را پیگیری کنیم. به این دوجانبه می‌رسیم. اگر مطلوب نیست حداقل قابل قبول است. جامعه امنیتی تکثرگرا هم که بعید می‌دانم در خاورمیانه بتوان آن را اجرا کرد. عدم توسل به زور ممکن نیست. ما در خاورمیانه هستیم و هم چیز نظامی است. باید بتوانیم با این وضعیت کنار بیاییم. ما باید الزامات محلی که در آن زندگی می‌کنیم را رعایت کنیم. برخی هم گفتند که دوره موشک و تفنگ گذشته است، بله اینها در جاهایی گذشته، دعوای لیبرال‌ها و رئالیست‌ها هم در دهه ۷۰ این بود. گورمن و نای و والت می‌گفتند شما بیش از حد به‌بین هستید و منطق رئالیسم سیاسی را اگر خاص خاورمیانه هم هست شما به اروپا نبری می‌دهید، حتی لیبرال‌ها هم نمی‌گویند در خاورمیانه مباحث سیاست بین‌الملل همکاری‌جویانه است. آن هم قبول دارد که رئالیستی‌تر است. حالا اینکه ما بتوانیم این را به سمتی ببریم که ماهیت رئالیستی را کاهش بدهیم بحث دیگری است که من چشم‌انداز آن را می‌بینم. من بدبین هستم، همیشه هم پیش‌بینی‌هایم درست از آب در می‌آید.

قبل از حمله آمریکا در ۲۰۰۳ به عراق، روزنامه ایران به من زنگ زد، گفت که شنیدیم که آمریکا می‌خواهد به عراق حمله کند، نظرت چیست، گفتم به نظر من تصمیم حمله به عراق گرفته شده و الان دارد عملیاتی می‌شود. زمان می‌برد داخل و منطقه و متحدان را اقناع کند؛ مطمئن باشید که حمله می‌کند. این پیش‌بینی من درست درآمده؛ بود و هنوز هم می‌توان آرشیو روزنامه را دید. یکی دیگر از دوستان مصاحبه کرد و گفت کشک است و حمله‌ای در کار نخواهد بود. خلاصه هر چه که می‌گذشت اتفاقات دیگری می‌افتاد. پیرباسکو روسی به بغداد رفت و اگر اشتباه نکنم به من زنگ زدند و گفتند دیگر جنگ تمام شد. بعد گفتند ۴۰ میلیارد دلار با عراق قرارداد بستند و این بعضی از جنگ می‌شود. گفتم اتفاقا همین هم یعنی جنگ نزدیک است. به نظرم یک چیزهایی بخشی‌اش تئوری است. یکی از ویژگی‌های تئوری این است که چیزهایی که به هم ربط ندارند را شما می‌توانید به هم ربط دهید. من تجربه کردم، ما استادی داشتیم که مسلط بر خاورمیانه و تاریخ بود. اصلا هیچ سمپتاری نمی‌آید چون فاقد بعد تئوریک بود. اگر تئوری را ندارید نهایتا نوتیک بینی‌تان را می‌بینید. من خیلی از پیش‌بینی‌هایم درست از آب درآمده‌اند و حالا این کاهش معنای رئالیستی در منطقه خاورمیانه را پیش‌بینی نمی‌کنم. روابط بین‌الملل منطقی ندارد.

پیام‌های امنیتی شدن و نظامی شدن خاورمیانه

حالا می‌توانیم به این مساله بپردازیم که این تحولات چه پیام‌هایی دارد؟ به نظر من اولین پیام، امنیتی شدن و نظامی شدن بیشتر منطقه خاورمیانه است. طبیعی است که شما وقتی عملیات این‌طوری را راه می‌اندازید، حداقل یقیه باید بیایند خودشان را به این سطح برسانند. درهم‌تنیدگی و پیوستگی امنیتی، ملی، منطقه و بین‌المللی، این ویژگی خاورمیانه است، من پیش‌تر هم گفتم اینکه شما امنیت ملی ایران، منطقه و بین‌الملل را بخواهید تفکیک کنید، امکان‌پذیر نیست. این ویژگی خاورمیانه است. همه مناطق این‌گونه نیستند اما خاورمیانه است. تحولات بین‌الملل بر منطقه و هم در درون کشورها موثر است. یعنی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری دوطرفه است. همان‌طور که اشاره کردم، امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی میزانی به هم پیوستگی پیدا کردند و این وابستگی افزایش پیدا کرد. به این دلیل که آمریکا و غرب فقط امنیت خاورمیانه را فی‌نفسه تحلیل نمی‌کنند؛ می‌گویند که این کارهایی که ایران می‌کند، امنیت خود نظام بین‌الملل تهدید می‌شود. مطمئن باشید با رومی‌ها و چینی‌ها هم بحث می‌کنند. می‌گویند این دعواهای جای خودش اما ایران مشکل است. اصطلاح قرارداد بستن با این مخالفان‌کار است. هیچ‌کدام‌شان شریک پیدا کنند. ایران را الان حمایت می‌دانند. گسترش منطقه خاکستری و گسترانه تحمل آمریکا و اسرائیل و ایران که به آن اشاره کرد؛ تقویت و تشدید حمایت آمریکا و غرب از اسرائیل، اینها همه براساس آنکه ما سطح قدرت‌مان را یک درجه بالاتر بردیم، اتفاق می‌افتد. تقویت همکاری آمریکا و اروپا برای مهار ایران، امنیتی‌سازی بیشتر ایران. اینها راهبردها و کارهایی است که قرار است انجام دهند. ما باید بدانیم که چه کارهایی را می‌توانیم انجام دهیم که این تلاش‌ها را خنثی کنیم. تهدیدات امنیت و دفاعی آمریکا به کشورهای حوزه خلیج‌فارس باعث شده که یک سیستم دفاع هوایی یکپارچه را از چند سال پیش در دستورکار قرار دهند و به نظر من دیگر این به سمت عملیاتی شدن می‌رود و سیاست تضعیف، محروم‌سازی، محدودسازی و مهار قدرت منطقه‌ای ایران را پیگیری می‌کنند.

حالا ایران چه کند؟

چند الزام یا کاری که ما باید انجام دهیم را می‌گویم که آن هم خیلی مهم است. اولا دیپلماسی کشن‌مند چندجانبه را باید پیگیری کنیم. یعنی الان باید بهار دیپلماسی ما باشد. منطقه و سطح بین‌الملل متحدان و حتی آنهایی که دلخوری داریم را باید قانع کنیم. باید خصم آنها را کمتر کنیم. وظیفه دیپلماسی این است که نهایت تلاشش